

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۰ مارچ ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۴۰

مُلحدنامه

— ۶ —

زنان هاله‌سان گردد بر گردِ ماه
برفتند یکسر، سوی حجله گاه
شده شاد خباز، ز اندازه بیش
بیامد به نزدیک داماد خویش
بیوسید دستش ز روی ادب
که اینک کُس آورده ام، بی تعب
چو خلوت شد آن خانه از انجمن
بیچید شمشاد، بر نارون
شده مست، داماد از بوی کُس
دلش غوطه‌ور گشته در جوی کُس
نخستین چو بگشاد، ز شلوار بند
چنان در خیالش که او دختر است
تقی در کس آن سمنبر، فگند
چو بر درگه شاه، حمدان نهاد
کُشش از در بسته محکم‌تر است
نه سختی درو دید پیدا، نه خون
بیکبار موشش در انبان قتاد
پیشیمان شد و کرد در دم، برون

^۱ - "ماه" از قدیم مراد از "عروس" در شب زفاف است.

بدو گفت: کای قحبه بدنژاد
که راند اندرین قفل سیمین، کلید؟
ترا ناوک دیگری، دوخته
بفرمود: خاکش به سر بیختند
به رسوائی از خانه کردش به در
کُس خود کجا؟ داده بودی به باد
ز میلِ که، این سرمه‌دان بردرید؟
چرا من؟ نهم، مرهم سوخته
لحافش به گردن درآویختند
که رَو با کُس پاره، پیش پدر

* * *